



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مقاله پژوهشی

## جایگاه و اعتبار اقناع افکار عمومی در نظام قضایی کیفری اسلام

اکبر مختاری<sup>۱</sup>، علی بهرامی نژاد<sup>۲\*</sup>، سید رضا احسان پور<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** اسلام دینی است که علاوه بر جنبه وحیانی خود، احکام و دستورات خود را بر مبنای عقل‌گرایی بنا کرده است و همواره بر قدرت تعقل انسان‌ها تأکید داشته و آن را محترم شمرده است. هدف ما در پژوهش حاضر این است که اصل اقناع افکار عمومی را در نظام قضایی اسلام از منظر مبانی فقهی مورد اعتبارسنجی قرار دهیم.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** به طور کلی، قوانین اسلام چه در مرحله وضع و چه در مرحله اجرا بر پایه حفظ مصالح و دفع مفسد پایهریزی شده است و در این رهگذر باید افکار عمومی از بابت هر دو مرحله قانع شود، در غیر این صورت، اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی اسلامی کاهش پیدا می‌کند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** مطالبه افکار عمومی در خصوص اقناع‌کننده بودن احکام قضایی و رویه دادرسی امری مستحدث نبوده و مختص زمانه ما نیست بلکه از دیرباز مورد توجه مردم بوده است و جامعه معمولاً در مقابل پذیرش آرای ناعادلانه مقاومت می‌کردند. به همین دلیل سیره معصومین (ع) نیز در روند اجرای احکام الهی چه در مقام حاکم و چه در مقام مشاوره به حکام و قضات، همواره بر اساس اقناع نمودن افکار عمومی بوده است.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

### واژگان کلیدی:

اقناع‌کنندگی

افکار عمومی

نظام قضایی اسلام

دادرسی عادلانه

### \* نویسنده مسؤول:

علی بهرامی نژاد

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد پستی: ۶۳۵۳۷-۱۱۴۸۹

تلفن: ۲۱-۷۷۵۲۸۷۲۶

پست الکترونیک:

[Ali.b.nejad@gmail.com](mailto:Ali.b.nejad@gmail.com)

**۱. مقدمه**

اسلام دینی است که علاوه بر جنبه وحیانی خود، احکام و دستورات خود را بر مبنای عقل‌گرایی بنا کرده است و همواره بر قدرت تعقل انسان‌ها تأکید داشته و آن را محترم شمرده است. توجه اسلام به عقل‌گرایی هم در آیات تکوینی و هم در آیات تشریحی قرآن کریم مشاهده می‌شود. اما باید اذعان داشت که یافتن مفهوم قرآنی همچون عقل و تعقل، ناخواسته ذهن انسان را به مفاهیم معرفتی دیگری نیز می‌کشاند که با هم ارتباط معنایی دارند و یکی از این مفاهیم، «اقناع‌کنندگی» است؛ چرا که قوه تمییز و تشخیص انسان، عقل است و آدمی با کمک این قوه، مسائل را تجزیه و تحلیل کرده و به اقناع یا عدم اقناع می‌رسد.

بر اساس چنین واقعیاتی شاهد هستیم که مردم و حکام آن‌ها در مقابل احکام منطقی و عقلایی قضایی نظام اسلامی گردن می‌نهند و قانع می‌شوند. بنابراین اقناع‌کنندگی افکار عمومی در همه ابعاد برای مکتب اسلام اهمیت دارد. رهبر معظم انقلاب در بیانات خویش در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۷/۴/۶ فرمودند: «افکار عمومی خیلی مهم است. ما در مقابل دشمن و بدخواه و توطئه‌گر و دروغ‌گو و تهمت‌زن باید با صلابت و قاطعیت عمل کنیم؛ در مقابل افکار عمومی بایستی با تواضع، با دلسوزی، با محبت وارد شد و با افکار عمومی تفاهم کرد؛ این خیلی چیز مهمی است، تا بتوانیم اعتماد افکار عمومی را جلب کنیم».

مسئله مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که در نظام قضایی اسلام اصل بر این است که قضات باید به اعمال عدالت بپردازند. به تعبیری در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که صرفاً اعمال قانون باید به عنوان رسالت اصلی قضات محسوب شود؛ در نتیجه پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اقناع افکار عمومی در نظام قضایی اسلام بر کدام مبانی فقهی استوار است؟

با این مقدمه بنا داریم، اصل اقناع افکار عمومی را در نظام قضایی اسلام از منظر مبانی فقهی مورد اعتبارسنجی قرار داده و به همین منظور در این پژوهش، معیارهای فقهی اقناع افکار عمومی نظیر آیات قرآن کریم، تمسک به سیره معصومین (ع)،

توجه به آزادی اندیشه انسانی، استخدام ابزارهای مشروع، جواز تکرار فرایند اقناع، دلیل‌گرایی و تساوی در برابر قانون را تبیین کرده‌ایم. اما پیش از ورود به بحث اصلی، ابتدا مفاهیم پژوهش را بیان کرده و سپس انواع روش‌های اقناع‌کنندگی از منظر مکتب اسلام را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.

**۲. ملاحظات اخلاقی**

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**۳. مواد و روش‌ها**

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**۴. یافته‌ها**

در نظام قضایی اسلام، اصل بر اجرای عدالت می‌باشد. تعاریف مختلفی از مفهوم عدالت ارائه شده است. به صورت کلی مقصود از عدالت، وضعیتی می‌باشد که ماحصل اجرای قانون است. از طرفی نیز مفهوم انصاف در فضای نظام‌های قضایی وجود دارد. در برخی موارد، قوانین بنا به دلایل مختلفی نارسا و دارای خلاءهایی هستند. نتیجه این است که اجرای قانون ناقص، منتهی به ایجاد وضعیتی می‌شود که در ادبیات نویسندگان تحت عنوان عدالت نامطلوب (یا به تعبیر علمای اسلام، ظلم) از آن یاد می‌شود. در مواردی که در نتیجه اعمال قانون ناقص، عدالت نامطلوب ایجاد می‌شود، باید قانون مزبور را با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، مورد جرح تعدیل قرار داد تا از ایجاد عدالت نامطلوب اجتناب کنیم؛ این وضعیت که در واقع ماحصل عدول از چهارچوب قانونی می‌باشد، همان وضعیت منصفانه است.

وقتی سخن از رعایت مقتضیات زمان و مکان و ایجاد وضعیت منصفانه به میان می‌آید، یکی از متغیرهای مهم، اقناع افکار عمومی جامعه می‌باشد. با در نظر گرفتن این نکته که در نظام

رفتار پیامبر اکرم (ص) با منافقان به عنوان داده معین شد و در نهایت با اتخاذ روش تبیینی و با قرار دادن مدل ELM به عنوان چارچوب مفهومی و جستجوی مولفه‌های آن در آیات منتخب، مدل اعتقادمحور به عنوان مدل مطلوب اقتناع افکار عمومی استخراج شد که شامل این مولفه‌ها می‌باشد: ۱- در حوزه انگیزه: آمیختن با شأن اجتماعی، آمیختن با اعتقادات و غافلگیری، ۲- در حوزه توانایی عینیت بخشی به نتیجه عمل و تحریک اعتقادی جامعه و ۳- در حوزه پاسخ‌های درخور: چیستی صفت منافقان، چیستی ماهیت رفتاری منافقان و چیستی نتیجه نفاق (۱).

مقاله «افکار عمومی و سیاست‌گذاری عمومی» نوشته یحیی کمالی و محمود غفوری که در سال ۱۳۸۹ در فصلنامه سیاست به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، افکار عمومی یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری عمومی است. جایگاه افکار عمومی بسته به نوع نظام سیاسی، متفاوت است و فرایند سیاست‌گذاری نیز از ماهیت نظام سیاسی تأثیر می‌پذیرد. تأثیرگذاری افکار عمومی بر سیاست‌گذاری عمومی با توجه به ماهیت و شکل نظام سیاسی متفاوت خواهد بود. این مقاله در صدد است این تأثیرگذاری را در فرایند سیاست‌گذاری عمومی مورد بررسی قرار دهد (۲).

#### ۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همانطور که در قسمت پیشینه پژوهش مشاهده شد، موضوع اقتناع افکار عمومی به صورت بسیار محدود مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. از طرفی، به واسطه اینکه در نظر نویسندگان و پژوهشگران حقوق اسلام، وظیفه اصلی قضاات اعمال عدالت (در معنای اعمال نص قانون) می‌باشد که این امر به نوبه خود ظاهراً موجب تضعیف جایگاه افکار عمومی در فرآیند دادرسی و قضاوت می‌شود، جایگاه و اعتبار اقتناع افکار عمومی در نظام قضایی اسلام هیچگونه سابقه‌ای در پژوهش‌های موجود ندارد.

قضایی اسلام اصل بر عدالت می‌باشد، در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که اقتناع افکار عمومی در نظام مزبور جایگاه مشخصی ندارد و قضاات صرفاً به اجرای مَر قانون می‌پردازند. اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، اقتناع‌کنندگی افکار و اندیشه عامه مردم در نظام قضایی اسلام از جایگاه والایی برخوردار بوده است؛ به ویژه در بیان احکام عملی اسلام، همواره اصل بر این بوده که مکلفین، احکام را از طریق قوه تعقل خود درک کرده و در حالت اقتناعی به آن عمل کنند. به طور کلی، قوانین اسلام چه در مرحله وضع و چه در مرحله اجرا بر پایه حفظ مصالح و دفع مفساد پایه‌ریزی شده است و در این رهگذر باید افکار عمومی از بابت هر دو مرحله قانع شود، در غیر این صورت، اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی اسلامی کاهش پیدا می‌کند.

#### ۵. بحث

##### ۵-۱. پیشینه تحقیق

متغیر اصلی پژوهش حاضر یعنی افکار عمومی، از زوایای مختلفی مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. در ادامه برخی از مهم‌ترین موارد را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

مقاله «مدل اقتناع افکار عمومی در قرآن کریم، مطالعه موردی مواجهه با منافقین» نوشته اصغر افتخاری و سیدمحمدصادیق کاظمی که در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، پدیده نفاق یکی از مهم‌ترین مسائلی است که حکومت نبوی با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. پراکنده بودن منافقین در جامعه مدینه و همراهی ظاهری آنان با دیگر مسلمانان خطر عدم همراهی مسلمانان با سیاست‌های نبوی در مقابل منافقین را افزایش می‌داد. پیامبر خدا به منظور کاهش خطر جذب دیگر مسلمانان به منافقان رفتارهای متعدد اقتناعی داشت که مطالعه آنها می‌تواند دست یافتن به الگوی مطلوب اقتناع افکار عمومی در عرصه‌های اعتقادی و فرهنگی را میسر گرداند. پرسش این است که شیوه‌های اقتناعی رسول خدا در مواجهه با منافقین چه بوده است؟ به منظور پاسخ به این پرسش خطابات قرآنی پیرامون

**۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش**

در ارتباط با اهمیت پژوهش حاضر باید به این نکته دقت داشت که در حال حاضر با توجه به ظهور ابزار رسانه و افزایش سطح دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، افکار عمومی شدیداً بر نظم عمومی و تمام جوانب روابط در جامعه تأثیر مستقیم دارد. از طرفی دستگاه قضایی حساس‌ترین رکن در هر نظام حقوقی می‌باشد که به صورت مستقیم به احقاق حقوق مردم می‌پردازد؛ از همین منظر، اهمیت جایگاه اقناع افکار عمومی نمایان می‌شود. با توجه به قدرت افکار عمومی، چنانچه آراء قضایی بدون توجه به این متغیر مهم صادر شوند، در بسیاری از موارد قابلیت اجرایی یا حداقل قابلیت تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهند.

**۵-۴. محدودیت‌های پژوهش**

در پژوهش حاضر هدف اصلی سنجش اعتبار و جایگاه اقناع افکار عمومی می‌باشد؛ از این رو، بررسی مبانی فقهی و به طور خاص آیات قرآن کریم، روایات و سیره عملی معصومین (ع) مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. به همین جهت احکام و قواعد جزئی در دایره موضوعات پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

**۵-۵. مفهوم‌شناسی****۵-۵-۱. اقناع**

اقناع برگرفته از واژه قنع و به معنای وقتی است که کسی راضی و خشنود شود (۳) از نظر صاحب لسان العرب نیز اقناع به اقبال با صورت به چیزی معنا شده است به کشیدن دست هنگام دعا؛ زیرا اقبال بر جهتی است که دست به سوی آن کشیده شده است (۴).

اقناع یک فرایند ارتباطی است که هدف آن نفوذ کردن در گیرنده پیام است. یک پیام ترغیبی یک نظر یا رفتار را، به شکلی داوطلبانه به گیرنده ارائه می‌کند و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب یا گیرنده پیام موثر واقع شود (۵).

برخی دیگر اقناع را به کوشش آگاهانه یک فرد یا سازمان، برای تغییر نگرش، باور، ارزش‌ها یا دیدگاه‌های فرد یا گروهی دیگر تعریف می‌کنند (۶).

**۵-۵-۲. افکار عمومی**

افکار عمومی به معادل جمعی نظرها، نگرش‌ها و باورهای فردی بخش قابل توجهی از اعضای جامعه گفته می‌شود. عبارت افکار عمومی در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی از دو دیدگاه متفاوت مطرح است:

گرایش دانشمندان سیاست و برخی تاریخ‌نویسان بر این است که نقش افکار عمومی را در دولت و سیاست و به طور مشخص تأثیر آن بر سیاست‌های دولتی بررسی کنند. برخی آن را با اراده ملی یکسان گرفته‌اند. با چنین نگاهی، این مفهوم در هر زمان معین و در مورد یک موضوع خاص تنها بر یک چیز دلالت دارد. جامعه‌شناسان به افکار عمومی به دیده‌ی محصول تعامل اجتماعی و ارتباط می‌نگرند و مفهومی جامع‌تر برای آن متصور هستند. با نگاه جامعه‌شناسانه تا زمانی که اعضای یک جامعه با یکدیگر روابط اجتماعی برقرار نسازند، افکار عمومی موجودیتی نخواهد داشت. حتی اگر نظرهای افراد جامعه به هم نزدیک باشد، اما باز هم باورهای آن‌ها در کنار هم افکار عمومی را شکل نخواهد داد تا زمانی که نظرهایشان از طریق رسانه‌ها -اعم از رسانه‌های نوشتاری، دیداری، شنیداری یا مجازی- یا مکالمه‌ی تلفنی یا رودررو به هم منتقل شود. بنابراین جامعه‌شناسان برای افکار عمومی در یک زمان خاص و در مورد موضوعی خاص، احتمال وجود افکار عمومی مختلفی را مطرح می‌کنند (۷).

**۵-۵-۳. مفاهیم و شیوه‌های مرتبط با بحث اقناع**

اقناع از جمله مباحث حوزه ارتباطات انسانی است که از دیرباز با مفاهیم متعدد و متنوعی مطرح بوده است که با توسعه وسایل ارتباط جمعی، از حالت یک ارتباط صرف خارج گردیده و مفهومی پیچیده‌تر شده است. بنابراین مقوله اقناع‌کنندگی در طول اعصار و قرون مختلف شیوه‌های مختلفی را تجربه کرده است.

بحث به ستیز نمی‌پردازد، مجادله را ترک گویند که مجادله‌گر، زیان‌دیده است و من در روز قیامت از آنکه مناقشه کند، شفاعت نمی‌کنم» (۱۱).

بنابراین شیوه مجادله از منظر معارف اسلامی زمانی به عنوان یکی از روش‌های اقناع‌کنندگی افکار مردم پذیرفته می‌شود که به جدال احسن برسد و هنگامی که مجادله با عنوان «مراء» انجام گیرد، از نظر مکتب اسلام پذیرفته نیست و مراء وقتی است که در آن، فرد از ابتدا با قصد گمراه نمودن مخاطب وارد بحث می‌شود.

#### ۵-۳-۲. مغالطه

مغالطه برگرفته از واژه غلط است و به معنای هر نوع خطا در حوزه تصورات یا تصدیقات است؛ اعم از این که عمدی باشد یا سهوی و اعم از این که مغالطه‌گر خود به خطا بیفتد یا دیگری را به خطا بیندازد و اعم از این که مغالطه‌گر در صدد تعریف یا استدلال باشد یا نباشد (۱۲).

در مغالطه لازم نیست که نتیجه دروغ باشد؛ زیرا ممکن است قضیه‌ای درست از مقدمات دروغ یا از مقدمات راست و ترکیب غیر صحیح نتیجه گرفته شود و یا مقدمات راست و با ترکیب صحیح باشد لیکن مطلوب دیگری را ادا کند و قضیه دیگری را به جای نتیجه حقیقی بیاورند، در همه موارد مزبور مغالطه شده است. بنابراین هرگاه قضیه صادق از دلیل کاذب ثابت گردد آن هم نوعی از مغالطه است (۱۳).

به عقیده برخی محققین، مغالطه دو کاربرد عام و خاص دارد. در کاربرد خاص، مترادف سفسطه است و در کاربرد عام، مغالطه در خطاب به کار می‌رود و مشروط به آن است که مفید اقناع باشد (۱۲).

#### ۵-۳-۳. مناظره

مناظره از واژه نظر و به معنای دیدن با چشم و نگاه کردن است و با هم نظر کردن درباره حقیقت و ماهیت یک امر است (۴) و در اصطلاح دانشمندان اسلامی، مراد از مناظره آن است که «دو خصم نظر کنند در حکم و مسأله‌ای به قصد آن که صواب پیدا شود و هدف اصلی از مناظره آن است که دو طرف

فرایند اقناع در قالب انتقال یک پیام صورت می‌گیرد و انتقال هر پیامی سه محور اصلی دارد که عبارتند از: محتوای پیام، ظرف پیام (یعنی انتقال‌دهنده) و شیوه و روش انتقال پیام. به همین منظور در این مبحث انواع روش‌های اقناع‌کنندگی را که در زمینه ارتباطات انسانی کاربرد دارند و به عنوان انتقال پیام استفاده می‌شوند مورد بررسی قرار داده‌ایم و هدف از طرح چنین مطلبی این است که روش‌های مشروع و معتبر را از منظر فقه انور اسلام شناسایی نموده و مشخص نماییم که حدود و ثغور استفاده نظام قضایی اسلام برای اقناع افکار عمومی در مقابل آراء قضایی تا کجاست؟ به همین منظور در این بخش مفاهیم مرتبط با اقناع و عمده‌ترین و معروف‌ترین روش‌های اقناع‌کنندگی نظیر مجادله، مفاقهه، مغالطه، مناظره، مباحثه، مقایسه، تبلیغ، ترغیب و نگرش تبیین گردیده است.

#### ۵-۳-۱. مجادله

مجادله برگرفته از واژه جدل و به معنای استحکام، استواری و مقابله با خصم است برای منصرف نمودن از رأی او (۲، ۸) و در معانی قرآنی بیشتر به معنای منازعه و مخاصمه ناحق مطرح شده است (۹).

مجادله در اصطلاح به معنای مذاکره و صحبت کردن است و در اصطلاح علم منطق عبارت است از آن که انسان از مسألات طرف مقابل، علیه او بهره‌برداری کند؛ در مقام استدلال از مقدماتی که طرف قبول دارد استفاده کند که این روش برای قانع کردن یا خاموش کردن طرف مقابل بسیار مؤثر است و چنانچه کیفیت برخورد در این‌گونه استدلال، متین و خوب باشد همان جدال احسن است که قرآن آن را تحسین کرده است (۱۰). مفهوم مجادله در آیات قرآن کریم، در سه معنای مجادله حق، مجادله باطل و دفاع به کار رفته است که البته همه معانی مترادف است و تفاوت آن‌ها در مصادیق است. با مطالعه سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز معانی دقیقی از مفهوم مجادله به دست می‌آید؛ چنانکه در روایت آمده است روزی پیامبر (ص) بر گروهی که مشغول مجادله بودند وارد شدند و بعد از عتابشان فرمودند: «پیشینیان شما را جدال و مراء هلاک کرد، مجادله را ترک گویند چرا که مؤمن هرگز در

بدعت را داده‌اند ولی بعضی دیگر آن را به معنای استدلال محکم و مبهور کننده دانسته و در نتیجه حکم به عدم جواز بهتان به اهل بدعت داده‌اند (۱۶).

از نظر لغوی مباحثه از ریشه بُهت است که اصل آن مبهور شدن است یعنی با دلایلی که ارائه می‌شود طرف مقابل مبهور و متحیر شود بنابراین نمی‌توان جواز بهتان زدن به دیگران حتی اهل بدعت را از آن برداشت نمود. از طرفی، در قوانین موضوعه ایران، نسبت دروغ دادن به دیگران اعم از بدعت‌گذار یا غیر آن جرم‌انگاری شده است و مجازات جرایمی نظیر قذف، افترا و نشر اکاذیب در انتظار او می‌باشد که این جرم‌انگاری مبنای فقهی مستحکمی نیز دارد. بنابراین صرفاً مباحثه به معنای متحیر و مبهور کردن طرف مقابل در بحث و گفتگو می‌تواند به عنوان شیوه‌ای از اقناع‌کنندگی مجوز فقهی داشته باشد.

#### ۵-۳-۵. مقایسه

از جمله روش‌های اقناع‌کنندگی اندیشه، مقایسه یا قیاس است که این شیوه نیز در گفتگوهای حضرت ابراهیم (ع) معمول بوده و ایشان برای اقناع مخاطبان از روش مقایسه بسیار بهره گرفته است. به این صورت که با استفهام و مقایسه بین خدایان متعدد، وجدان حقیقت‌جوی مخاطبان را به تعقل و تفکر دعوت می‌کرد. او در این روش با بیان ویژگی‌های خدایان و مقایسه آن‌ها، قضاوت را بر عهده مخاطبان می‌گذارد (۱۵).

چنانکه حضرت ابراهیم (ع) خطاب به مشرکین می‌فرماید: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ \* أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ \* فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ \* الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ \* وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ \* وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ؛ گفت: آیا دیدید چیزی را که شما عبادت می‌کردید؟ شما و پدران پیشین شما، همه آنها دشمن من هستند مگر پروردگار عالمیان! آن کسی که مرا آفرید و هدایت می‌کند و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد (شعراء، ۷۵-۸۰).

مستند به آیات فوق و آیات دیگری که با همین روش به گفتگو با مخاطب پرداخته‌اند مشخص می‌شود که شیوه

گفت‌وگو، به یاری یکدیگر، به کشف حقیقت نایل آیند و مشکلی را بگشایند (۱۴).

مناظره یکی از فنون کلامی است که طرفین با استفاده از مقدمات مسلم در آن تلاش می‌کنند دلایل خود را اثبات کنند. مفهوم مناظره اعم از مجادله است و در واقع مجادله یکی از روش‌هایی است که در مناظره به کار می‌رود. بنابراین مناظره نیز هنگامی از نظر تعالیم اسلام معتبر می‌باشد که به جدال احسن منتهی شود.

یکی از شیوه‌های موفق مناظره کردن، استدلال همراه با پرسش است به نحوی که مناظره‌کننده در جایگاه پرسشگر قرار می‌گیرد. انبیاء (ع) گاهی در برابر شبهات مخالفان به جای بحث و استدلال‌های پیچیده، با طرح پرسش‌هایی ساده و بیدارکننده، مخاطب را به عجز می‌کشاندند. هرکس ادعایی داشت، با پرسش‌هایی که از او می‌پرسیدند، آنها را متقاعد کرده، نسبت به جهل خودشان آگاه می‌نمودند و آماده شنیدن حقیقت می‌کردند؛ یعنی از مرحله انکار به مرحله شک می‌رسیدند و در این زمان، آنها آماده شنیدن حقایق و در نتیجه، پذیرفتن آن می‌شدند (۱۵).

#### ۵-۳-۴. مباحثه

مباحثه واژه‌ای است مأخوذ از عبارت «بَاهِتُهُمْ» در روایت منقول از پیامبر (ص) که می‌فرماید: «إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي، فَاطْهَرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَ أَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَ الْقَوْلِ فِيهِمْ وَ الْوَقِيعَةَ وَ بَاهِتُوهُمْ كَيْ لَا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَ يَحْذَرَهُمُ النَّاسُ وَ لَا يَتَعَلَّمُونَ مِنْ بَدْعِهِمْ، يَكْتُبِ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِه الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ؛ پس از من، هرگاه شگاکان و بدعت‌گذاران را دیدید، از آنان بیزارگی نشان دهید و بسیار به آنان ناسزا گوید و درباره‌شان بدگویی و افشاگری کنید و آنان را مبهور [و محکوم] سازید تا به تباه کردن اسلام، طمع نکنند و مردم از آن‌ها بر حذر باشند و از بدعت‌هایشان چیزی نیاموزند. برای این کار، خداوند برایتان ثواب‌ها می‌نویسد و در آخرت بر درجات شما می‌افزاید» (۱۱).

برخی، از بُعد فقهی مباحثه را به معنای تهمت زدن دانسته‌اند و با استناد به آن، حکم به جواز بهتان و دروغ بستن به اهل

رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه فرمودند: «دو کار اساسی باید انجام بگیرد. یک کار، کار عملی است؛ یک کار، کار تبلیغاتی است. تبلیغ بایستی به معنای رساندن آن حقیقت به دل مخاطب باشد، نه به گوش مخاطب؛ باید دل مخاطب تحت تأثیر قرار بگیرد. خب این یک کار فنی است. یک کار هنری است؛ این امروز در دنیا دارد در سطح بسیار وسیعی انجام می‌گیرد که سیاه را سفید نشان می‌دهند» (بیانات معظم‌له در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۷/۴/۶).

بر خلاف جامعه اسلامی، در جوامع غربی تبلیغ بار منفی داشته و معمولاً تداعی‌کننده دروغ است و به تعبیر محققین غربی، تبلیغ عبارت است از ایجاد تغییرات مطلوب در افکار عمومی به منظور رسیدن به اهداف مشخص به هر وسیله‌ای (۲۰) اما در مکتب اسلام، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و در زمینه تبلیغ نیز باید دقت شود که برای حاصل کردن نتیجه مطلوب، به هر وسیله‌ای تمسک نشود و باید از ابزار مشروع استفاده نمود تا اثرگذاری مثبت داشته باشد.

#### ۵-۳-۸. ترغیب

یکی از ابزارها و روش‌های اقناع‌کنندگی افکار، ترغیب است به نحوی که ترغیب‌کننده در کنار ابزار عقل از ابزار احساسات و فشار روانی نیز بهره می‌گیرد؛ به عبارتی، مهارت‌های کلامی و غیرکلامی را به کار می‌برد تا فرآیندی مقاومت‌ناپذیر را ایجاد کند. لازمه اقناع را تحرک دانسته‌اند و منظور، حرکت اندیشه انسانی از آنچه هست، به سمت خواست ارتباط‌گر یا متأثر از وی (۱۹).

ترغیب یک فرایند پیچیده مداوم و دارای کنش متقابل است که در آن یک فرستنده و یک گیرنده با نمادهای شفاهی و یا غیرشفاهی به هم پیوند می‌یابند که از طریق آن‌ها ترغیب‌کننده می‌کوشد در ترغیب‌شونده نفوذ کند. بنابراین اقناع یک عملیات دو سویه است (۵). چنانچه ترغیب مخاطب برای اقناع شدن به گونه‌ای باشد که فشار روانی بر وی تحمیل نشود و آن شخص به صورت آزادانه مطالب ما را بپذیرد می‌توان گفت چنین ترغیبی مشروع است اما اگر ترغیب با

مقایسه برای اقناع‌کنندگی اندیشه مخاطب دارای اعتبار فقهی بوده و می‌تواند ملاک مناسبی برای بحث ما قرار بگیرد.

#### ۵-۳-۶. مفاقهه

واژه مفاقهه برگرفته از کلمه فقه و به معنای فهم عمیق، با یکدیگر واپژوهیدن علم، مباحثه کردن و بر او غلبه کردن، با یکدیگر بحث کردن در علم فقه است (۱۷) و در اصطلاح مترادف است با معنای «فقه» که عبارت است از فهم عمیق. واژه مفاقهه به معنی درک کردن و فهمیدن عمیق است اما از آنجا که مسلمانان علم و فهم از دین را شریف‌تر از سایر علوم می‌دانسته‌اند، فقط فهم دین را فقه نامیده‌اند و به همین دلیل، بحث و گفتگوی بر مبنای فهم عمیق دینی را مفاقهه می‌نامند (۴، ۱۸).

امام باقر (ع) می‌فرماید: «انَّ الفقيه حق الفقيه الزاهد فی الدنيا، الراغب فی الآخرة المتمسک بسنة النبی (صلی‌الله علیه وآله وسلم)؛ فقیه آن کسی است که نسبت به دنیا بی‌علاقه و نسبت به آخرت علاقه‌مند و به سنت پیامبر رفتار کند» (۱۱). همچنین در روایت پیامبر (ص) آمده است که می‌فرماید: «فقیه آن کسی است که نه فقط دین را بشناسد، بلکه دین را باور کند».

با توجه به روایات مذکور، باید اذعان داشت که مفاقهه پیوندی تنگاتنگ با باور و اعتقاد دارد و روش مفاقهه می‌تواند برای اقناع‌کنندگی افکار و اندیشه‌ها شیوه‌ای بسیار مفید باشد و مخاطب اصلی بحث‌کننده، قوه تعقل انسان می‌باشد.

#### ۵-۳-۷. تبلیغ

تبلیغ از واژه بَلَّغَ به معنای رساندن مکرر است (۴). برخی محققین تفاوت تبلیغ با ابلاغ را در آن دانسته‌اند که در تبلیغ تکرار و تأکید نیز وجود دارد، در این صورت، معنای لغوی آن به مفهوم اصطلاحی نزدیک می‌شود. تبلیغ، نوعی ارتباط اقناعی است که دولت‌ها، احزاب سیاسی و گروه‌های فشار، برای تغییر یا تقویت دیدگاه‌ها و نگرش‌های مردم به کار می‌گیرند (۱۹).

رضایت نداشته باشند، به قوانین نیز احترام نمی‌گذارند و به همین نسبت تمرد از قوانین و نقض آن‌ها افزایش می‌یابد. نمونه‌های متعددی از اقناع شدن مردم و حتی حکومت‌ها از نظام قضایی اسلام از صدر اسلام تا کنون وجود دارد؛ چنانکه صاحب کامل فی التاریخ، می‌نویسد: «وقتی شهر مسیحی‌نشین سمرقند در زمان عمر بن عبدالعزیز توسط فرمانده قوای اسلام با شبیخون و برخلاف مقررات اسلام تسخیر شد، مردم این شهر از این جهت به خلیفه شکایت بردند. خلیفه آنان را به ابن‌حاضر بلخی قاضی وقت ارجاع داد. ابن حاضر پس از رسیدگی و احراز حقانیت مردم شهر اقدامات جنگی یاد شده را محکوم کرد و حکم به لزوم تخلیه شهر داد. خلیفه نیز آن حکم را پذیرفت و اجرا کرد. مردم که این‌گونه عدالت و دادگستری را در اسلام دیدند از مسیحیت بازگشته و اسلام آوردند» (۲۱).

هرچند که موضوع اقناع مخاطب به صورت مستقل در مباحث فقهی تصریح نشده است، لکن این بحث به عنوان یک جنبه از علم فقه در عرصه فقه اجتماعی مطرح می‌شود و می‌توان ملاک‌ها و معیارهای متنوعی را برای جواز اقناع‌کنندگی افکار و اندیشه‌ها در ذیل این بحث بیان کرد. در ادامه مهم‌ترین معیارهایی را که باید در فرایند اقناع بدان‌ها توجه نمود از منظر مبانی فقهی مورد بررسی قرار داده‌ایم. معیارهای فقهی بحث عبارتند از: آیات قرآن کریم، سیره معصومین (ع)، توجه به آزادی اندیشه انسانی، دلیل‌گرایی، تساوی در برابر قانون، استخدام ابزارهای مشروع و جواز تکرار فرایند اقناع که به تفصیل بیان گردیده است.

#### ۵-۶-۱. آیات قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان کلام خداوند متعال، اگرچه معجزه‌ای بی‌بدیل و غیرقابل تحدی است لکن فهم آن مبتنی بر بهره‌گیری از قوه تعقل انسان است و هر انسانی می‌تواند با توجه به ظرفیت وجودی خود، بهره‌ای متفاوت از آن ببرد. اما فارغ از این جامعیت، آیات قرآن دارای استدلال‌ات متقن و مستدل منطقی بوده و از اقناع‌کنندگی بالایی برخوردار هستند؛ چنانکه با تأمل در این آیات شریفه و جستجو در

شیوه‌هایی باشد که فرد را مستأصل نماید و آزادی را از مخاطب سلب کند از منظر آموزه‌های اسلام پذیرفته نیست. در جمع‌بندی این بخش باید گفت چنانکه بیان شد، شیوه‌های مختلفی برای اقناع نمودن مخاطب وجود دارد که در عرصه اقناع‌کنندگی نسبت به آرای کیفری نیز کاربرد دارند اما در اعتبارسنجی فقهی این روش‌ها مشخص شد که روش مغالطه به کلی مورد قبول منابع فقهی نبوده و روش مباحثه نیز زمانی دارای مشروعیت و اعتبار است که صرفاً برای مبهوت و متحیر کردن طرف مقابل به کار رود و گرنه چنانچه مباحثه به سمت بهتان زدن تمایل پیدا کند، چنین روشی نه از سوی شارع و فقه اسلامی و نه از نظر قواعد عمومی حقوق موضوعه پذیرفتنی نیست. بنابراین، سیستم قضایی می‌تواند برای اقناع افکار عمومی در رابطه با احکام و آرای صادره از روش‌های معتبر و پذیرفته شده‌ای که در این بخش بیان شده به خوبی بهره ببرد.

#### ۵-۶. معیارهای فقهی اقناع‌کنندگی افکار عمومی

اقناع کردن افکار و اندیشه‌ها از جمله ضروریات مکتب اسلام به شمار می‌آید تا جایی که خداوند متعال برای قانع نمودن مردم، به پیامبران خود اذن معجزه را داده بود زیرا معجزه یکی از روش‌های پذیرش ادعای پیامبران بوده و موجب اقناع افکار مردم می‌گردید. به همین دلیل می‌توان گفت که قانع شدن عقول مردم برای دین اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد.

در نظام قضایی اسلام نیز توجه به اقناع‌کنندگی افکار عمومی اهمیت داشته و بنیان قانون‌گذاری و اجرای قوانین در اسلام بر پایه حفظ مصالح و دفع مفاسد گذارده شده است و در این رهگذر باید افکار عامه مردم از تقنین و اجرای قوانین قانع شود و این مطلب به عنوان یک اصل پذیرفته شده است در غیر این صورت سیستم قضایی اسلام به هدف خود نائل نمی‌گردد. هنگامی که نظام عدالت کیفری در منظر عامه مردم معتبر باشد، ناخواسته افراد را به احترام گذاشتن به این نهادها و قوانین آن‌ها ملزم می‌کند و همین امر باعث تبعیت مردم از قوانین می‌شود. در مقابل چنانچه مردم از نظام عدالت کیفری



می‌دهند بهتر است» قانع نمی‌شدند. لذا خداوند اراده نمود تا از طریق به تفکر انداختن و بیداری ساختن ذهن آن‌ها راه هدایت را به این افراد نشان دهد؛ چنانکه بعد از دیدن عذاب قارون، همان مردمی که پیش از آن آرزو داشتند به جای قارون باشند، آن‌گاه که صحنه فرو رفتن او و ثروتش را به قعر زمین دیدند، گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هرکس از بندگانش بخواهد گسترش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد! اگر خدا بر ما منت نهد بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می‌برد! ای وای گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند» (قصص، ۸۱).

هدف از چنین عذابی، اقناع آن دسته از مردمی بود که در آرزوی ثروت قارون می‌سوختند تا به این نتیجه برسند که همه نیز در مشیت الهی است؛ زیرا آنها با دلایل مؤمنان از سخنان باطل و آرزوهای اشتباه خویش دست برداشتند، بلکه مشاهده عذاب الهی برای قارون، آن‌ها را به اندیشیدن و در نتیجه اقناع فکری راهبر شد (۲۲).

از جمله مصادیق قرآنی درخصوص اقناع افکار عمومی، جریان تهمت مردم نسبت به حضرت مریم (س) است که بدون داشتن همسر، فرزندی را به دنیا آورده بود و این امر برای قوم او بسیار عجیب و غیرقابل باور بود. در این لحظه باید استدلال محکمی وجود داشته باشد تا مریم (س) بتواند مردم را قانع کرده و از خود رفع تهمت نماید. اما از آنجا که تولد عیسی (ع) بدون داشتن پدر معجزه الهی است بنابراین چنین پدیده عجیبی به هیچ وجه برای عقول مردم قابل پذیرش نیست. لذا خداوند متعال برای اقناع اندیشه مردم معترض، به عیسی (ع) که نوزاد بود امر کرد تا در گهوار سخن گفت. هرچند که چنین واقعه‌ای یک معجزه الهی بود و مداومت ندارد اما سخنرانی نوزادی در گهواره به قدری تأثیرگذار بود که عموم مردم را در بهت و حیرت فرو برد و افکار آنان را قانع کرد.

جریان پرسش و پاسخ فرشتگان از خداوند در جریان خلقت آدم (ع) یکی دیگر از نمونه‌های اقناع‌کنندگی است که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ...» (بقره، ۳۰). خداوند در پاسخ به پرسش فرشتگان فرمود: «... إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره،

قصص قرآنی به موارد زیادی برمی‌خوریم که افراد، شخصیت‌ها و حتی موجوداتی مانند اجنه و فرشتگان با استدلال منطقی اقناع شده‌اند. بنابراین در بحث اعتبارسنجی مبانی فقهی اقناع افکار عمومی می‌توان به محکم‌ترین دلیل فقهی یعنی آیات قرآن کریم استناد نمود که در ادامه برخی از معارف قرآنی مرتبط با بحث را بیان کرده‌ایم.

یکی از نمونه‌های قرآنی در باب اقناع افکار عمومی، ماجرای یوسف پیامبر (ع) و همسر عزیز مصر است که بعد از شهادت دادن شاهدهی از خاندان آن زن، عزیز مصر در مورد بی‌گناهی یوسف (ع) قانع شد؛ زیرا آن شاهد این‌گونه استدلال کرد که «... إِنَّ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ قَبْلِ فَصَدَقْتَ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَ إِنَّ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبْتَ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (یوسف، ۲۷).

از قصه حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم مستفاد است که از یک سو، شاهدهی که توانست عزیز مصر را در مورد بی‌گناهی یوسف (ع) قانع کند، از مقدمات عقلانی و مستدل استفاده کرد و از سوی دیگر، عزیز مصر نیز انسان متعصب و لجوجی نبود که بخواهد با چنین استدلال محکمی قانع نشود و گرنه اقناع اندیشه طرف مقابل به این سادگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ممکن است مخاطب نسبت به اقناع لجاجت داشته باشد و بر تفکر اشتباه خود متعصبانه اصرار ورزد.

یکی دیگر از اشارات قرآن کریم به بحث اقناع‌کنندگی، سوره مبارکه کهف، آیات ۶۷-۶۹، داستان حضرت موسی و خضر (علیهم السلام) است که خضر (ع) برای اقناع نمودن موسی (ع) مبنی بر عدم تحمل و شکیبایی او در همراهی با روش‌های تعلیمی‌اش سه کار عجیب انجام داد که از قدرت تحمل موسی (ع) خارج بود. از آیات شریفه‌ای که پیرامون این داستان بیان شده استنباط می‌شود که خضر (ع) با بیان دلایل و حقایق افعال خود موسی (ع) را اقناع کرد.

نمونه دیگر از این بحث، عذاب خداوند نسبت به قارون بود که اقناع توده مردم را به همراه داشت؛ مردمی که فقط ظاهر ثروت قارون را می‌دیدند و با سخنان موسی (ع) مبنی بر فساد و طغیان قارون و اینکه در سوره قصص آیه ۸۰ می‌فرماید: «ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام

سیره عبارت است از تداوم و استمرار سیرت و روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک کاری. از سیره در اصول فقه به عنوان یکی از راه‌های دستیابی به احکام شرع سخن گفته‌اند، چنانکه در فقه نیز بر احکام گوناگون در باب‌هایی بدان استناد و استدلال کرده‌اند (۲۶).

سیره، خواه مفاد آن انجام دادن فعلی و یا ترک آن باشد، صرفاً بر مشروعیت اصل فعل یا ترک دلالت دارد، نه وجوب، استحباب، حرمت و یا کراهت آن. البته لازمه مشروع بودن بعضی امور، وجوب عمل به آن‌ها است، مانند برخی اماره‌ها، از قبیل خبر واحد و ظواهر کلمات؛ زیرا عمل به اماره مشروع نخواهد بود مگر آنکه شارع برای رساندن احکام خود به مکلفان، آن را حجت قرار داده باشد و تمسک به حجت شرعی و عمل به آن واجب است؛ زیرا دستیابی به احکام و فرا گرفتن آن بر مکلفان واجب می‌باشد (۲۷، ۲۸).

سیره به لحاظ بنای عملی بودن آن برای همه و یا جمعی از مردم، به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف- سیره عقلا که از آن به بنای عقلا نیز تعبیر می‌شود و منظور از آن، روش عملی عقلای هر ملیت و مذهبی است که البته به تنهایی حجت و دلیل حکم شرعی نیست، مگر در صورت تأیید و موافقت شارع مقدس با مفاد آن. احراز تأیید و موافقت شارع بستگی به نوع بنای عقلا دارد. گاه بنای عقلا به گونه‌ای است که انتظار همسویی شارع با آنان می‌رود؛ زیرا از ناحیه شرع مانعی بر سر راه سیره وجود ندارد. در این صورت اگر ثابت شود شارع از عمل به سیره عقلا منع کرده، بدیهی است که سیره حجیت نخواهد داشت. در مقابل، عدم ثبوت چنین منعی از ناحیه شارع، بیانگر این است که شارع نیز به عنوان یکی از عقلا، بلکه رئیس و رهبر آنان، موافق با مفاد سیره است، مانند بنای عقلا بر عمل به خبر ثقه و ظواهر کلمات (۲۶).

اما اگر بنای عقلا به گونه‌ای است که به دلیل وجود مانع، انتظار نمی‌رود شارع با روش آنان موافق باشد. در این صورت، اگر قلمرو بنای عقلا امور شرعی را نیز دربرگیرد، مانند استحباب عدم ثبوت منع از ناحیه شارع در کشف از امضا و تأیید وی نسبت به مفاد سیره کفایت می‌کند؛ لیکن اگر جریان

(۳۰) و سپس به جای تعریف و تمجید بیهوده از آدم (ع) و همچنین به جای تأکید بر مبری بودن آدم از فساد، مقام علمی وی را برای فرشتگان آشکار نمود و اسماء را به آدم (ع) آموخت و بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید» (بقره، ۳۱). به عقیده برخی پژوهشگران قرآنی واقع این که خداوند، دانش آدم (ع) را به رخ فرشتگان کشیده برای آن است که دلیل تصمیم و انتخاب الهی و خلافت آدم را بفهمند و قانع شوند (۲۳).

هرچند که در این واقعه قرآنی، اقناع در حوزه اندیشه انسانی رخ نداده و مربوط به فرشتگان است اما می‌توان آن را یکی از بارزترین مصادیق اقناع عمومی توسط قرآن دانست که هدف از بیان آن به تکاپو انداختن اندیشه انسانی است؛ زیرا می‌توان اندیشه همه انسان‌ها را نیز با این دلایل منطقی متقاعد نمود که ذات انسان مبتنی بر فساد و خونریزی نبوده و اگر برخی از انسان‌ها مرتکب فساد می‌شوند به خواست خود آن‌هاست و ارتباطی به آفرینش او ندارد.

درخصوص آیات مربوط به اقناع‌کنندگی افکار و اندیشه‌ها مصادیق متعددی وجود دارد که بیان همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد و محققان را به مطالعه برخی از این آیات و تفاسیر پیرامون آن‌ها ارجاع می‌دهیم.

#### ۵-۶-۲. سیره معصومین (ع)

معیار دیگری که می‌توان برای اعتبارسنجی اقناع‌کنندگی افکار عمومی در عرصه فقه اسلامی مطرح نمود، استناد به سیره معصومین (ع) است؛ چرا که ایشان در روند اجرای احکام الهی چه در مقام حاکم و چه در مقام مشاوره به حکام و قضات، همواره به اقناع نمودن افکار عمومی توجه داشته‌اند که در ادامه به بیان نمونه‌هایی از این موضوع پرداخته‌ایم.

واژه سیره به طریقه و روش است و در اصطلاح نیز عبارت است از بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ بر انجام کاری و یا بر ترک آن به عبارت دیگر، سیره عبارت است از استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی (۲۴، ۲۵).

نمی‌توان به این سیره اعتماد کرد و به اعتماد آن، موافقت معصوم را به صورت قطعی و یقینی به دست آورد.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که استمرار شیوه و روش، اگر در میان همه عقلا منظور باشد، این سیره را سیره عقلا و اگر همه مسلمانان یا پیروان مذهب و یا گروهی خاص از مسلمانان مورد نظر باشد آن را سیره متشرعه می‌نامند (۲۸).

با عنایت به مطالبی که بیان شد و مصادیقی که در ادامه از سیره معصومین (ع) در مورد اقناع‌کنندگی احکام و آرای قضایی ذکر شده است، منظور ما از سیره، همان سیره متشرعه است.

#### ۵-۶-۲-۱. حضور دانشمندان و افراد عادل در جلسه رسیدگی (دادرسی مشارکتی)

حضور دانشمندان و افراد عادل در جلسه رسیدگی نوعی دادرسی مشارکتی محسوب می‌شود که منجر به صدور حکم جامع‌تر، منصفانه‌تر و کم‌اشتباه‌تری می‌شود و در نتیجه چنین صدور حکمی، اقناع عمومی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا جمع دانشمندان می‌توانند نماینده افکار عمومی باشند. لازم به ذکر است که چنین مقوله‌ای در جرایم مطبوعاتی تقنین شده است و قانون‌گذار به موجب ماده ۳۴ قانون مطبوعات، حضور هیئت منصفه را الزامی دانسته است و مستند به ماده ۴۳ قانون مزبور، هیئت منصفه قبل از صدور رأی دادگاه، در مورد بزهکار بودن یا نبودن متهم و استحقاق یا عدم استحقاق تخفیف مجازات (در صورت بزهکار بودن) نظر خود را اعلام می‌نماید. سپس به موجب تبصره ۱ همین ماده، پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

چنین مقرر قانونی نشان از این دارد که عقل و خرد جمعی می‌تواند در صدور آرای قضایی مؤثر باشد چرا که ماهیت اعضای هیئت منصفه نشان می‌دهد که این جمع متشکل از دانشمندان و افراد عادل است که سعی در دادرسی منصفانه و به دور از هرگونه جانب‌گرایی دارند. زیرا از جمع مواد ۳۶ و ۳۷

بنای عقلا در حوزه شرع قطعی نباشد، صرف عدم ورود منع از ناحیه شارع، دلیل موافقت وی با بنای عقلا نخواهد بود؛ بلکه نیازمند دلیلی خاص و قطعی بر موافقت شارع با بنای عقلا است (۲۶).

سیره عقلا، تنها زمانی حجیت دارد و می‌تواند مدرک و مستند یک حکم شرعی قرار بگیرد که دو شرط داشته باشد: نخست اینکه بدانیم که تا زمان معصوم ادامه داشته است و شرط دوم اینکه دلیل دیگری داشته باشیم که نشان دهد، شارع این سیره را یا قبول کرده باشد یا حداقل آن را رد نکرده باشد (۲۸).

ب- سیره متشرعان که مراد از آن، روش عملی گروهی از مردم از آن جهت که مسلمان و یا شیعه دوازده امامی‌اند، می‌باشد. این نوع سیره در حقیقت نوعی اجماع، بلکه معتبرترین نوع آن است؛ چه اینکه اجماع عملی همه مسلمانان، اعم از علما و غیر آنان است؛ در حالی که اجماع قولی تنها اجماع علما می‌باشد. در کلمات فقها از این نوع سیره به اجماع فعلی نیز تعبیر شده است (۲۶).

سیره مشترعه، از نظر حجیت به سه صورت است:  
الف- در برخی از سیره‌ها، علم داریم که در زمان حضور معصومین نیز جریان داشته است؛ خواه خود معصوم نیز به آن عمل می‌کرده است یا اینکه آن را تقریر کرده است. در این مورد، بدون شک، این سیره حجت قطعی است و به تنهایی می‌تواند دلیل و مدرک برای حکم شرعی قرار بگیرد.

ب- در برخی موارد، می‌دانیم که این سیره بعد از عصر معصومین ایجاد شده است. در این صورت، قطعاً دلیل مستقلاً بر حکم شرعی نیست؛ زیرا تنها مستند و منبع استنباط حکم شرعی، قرآن کریم و سنت معصومین است. عمل مشترعه، جدای از سیره معصومین نیز حجیتی ندارد؛ زیرا گاه عمل دینداران، بر اساس هوای نفس و سهل‌انگاری در عمل کردن مطابق با احکام شرعی است نه بر اساس دلیلی شرعی که در دسترس آنان بوده ولی به ما نرسیده است.

ج- در برخی موارد نیز، شک داریم که در عصر معصومین بوده یا بعد از ایشان ایجاد شده است. در چنین مواردی نیز

مرحوم صاحب جواهر نیز می‌فرماید: «مستحب است قاضی در مجلس قضاوت خود افرادی را حاضر کند که عالم به احکام هستند؛ زیرا این افراد می‌توانند او را متوجه اشتباهش کنند و لازم نیست این افراد مجتهد باشند؛ زیرا منظور، تقلید از آنان نیست بلکه منظور این است که قاضی با وجود این افراد و با توجه به آگاهی آنان باطمینان بیشتری حکم صادر کند و این کار با وجود افراد پایین‌تر از حد اجتهاد نیز امکان‌پذیر است» (۲۷).

همچنین صاحب مناهج‌المتقین می‌فرماید: «قاضی باید افرادی از اهل علم را در محضرش حاضر نماید تا شاهد و ناظر حکم او باشند تا اگر خطایی رخ داد وی را آگاه سازند یا اگر در مسئله‌ای شبهه‌ای ایجاد شد از نظر آن‌ها استفاده کند» (۳۲).  
مرحوم شیخ‌بهای (ره) نیز در بیان آداب‌القضاء حضور عالمان و جمعی از عدول را مستحب می‌داند (۳۳). برخی از علمای اهل تسنن نیز گفته‌اند که مستحب است در مجلس قضا، فقیهان از هر مذهبی حاضر باشند و چنانچه ممکن باشد با آن‌ها راجع به موارد مشکل مشورت شود (۳۴).

با عنایت به آراء فقهای عظام عامه و امامیه، می‌توان گفت که حضور افراد عالم و عادل در فرایند دادرسی و همچنین علنی بودن آن امری ضروری است که در حقوق موضوعه کمتر بدان توجه شده است و عرصه فقه توجه بیشتری به این موضوع مهم داشته است. به هر حال، حضور متخصصان و عدول می‌تواند در اقناع‌کنندگی افکار عمومی نسبت به صدور آرای کیفری تأثیر مثبتی داشته باشد خصوصاً در این مورد که تأیید فقها را نیز به همراه دارد و می‌توان از چنین ظرفیتی در جهت ارتقای کار قضا استفاده نمود.

#### ۵-۶-۲- بهره‌گیری از دلایل علمی

یکی از ابزارهای مفید برای اقناع کردن افکار و اندیشه عامه مردم، استفاده از دلیل است و این دلیل باید متقن و معتبر باشد تا مورد پذیرش مخاطب قرار گیرد. چنین امری در سیره معصومین (ع) در دادرسی‌ها نیز فراوان مشهود است. در ادامه به ذکر نمونه‌ای بسنده شده است که با بحث حاضر مرتبط می‌باشد.

قانون مطبوعات برمی‌آید که اعضای هیئت منصفه از میان گروه‌های مختلف اجتماعی نظیر روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیانی تشکیل می‌گردد با شرط داشتن حداقل ۳۰ سن و تأهل، نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری، اشتها به امانت، صداقت و حسن شهرت و صلاحیت علمی و آشنائی با مسائل فرهنگی و مطبوعاتی. بنابراین چنین افرادی به نوعی نماینده عامه مردم محسوب می‌شوند و رأیی که بر مبنای مشورت و نظر آن‌ها صادر شود می‌تواند اقناع‌کننده باشد.

بهره‌گیری از حضور عالمان و افراد عادل در سیره معصومین (ع) نیز کاملاً مشهود است. البته چنین رویه‌ای مستلزم وجود یک دادرسی علنی است که در شیوه محاکمات امیرالمؤمنین علی (ع) وجود داشت. در تاریخ ذکر شده است که علی (ع) در مسجد کوفه سکویی را اختیار کرده بودند مخصوص قضاوت که «دکة‌القضاء» نامیده می‌شد و زمانی که به حضرت خبر رسید که شریح قاضی در منزل قضاوت می‌کند به وی فرمود: «شریح در مسجد بنشین و قضاوت کن زیرا که این عادلانه‌تر است و این ضعف قاضی است که در خانه‌اش بنشیند و قضاوت کند» (۲۹).

هنگامی که دادرسی علنی باشد، مجال ورود افراد عالم و عادل به فرایند دادرسی فراهم می‌شود و مطمئناً حکم صادره نیز اقناع‌کنندگی بیشتری دارد و از طرف دیگر قاضی نیز اطمینان پیدا می‌کند که بر مسیر حق قدم برمی‌دارد. صاحب مسالک‌الافهام می‌فرماید: «بر قاضی مستحب است قبل از صدور رأی با مجتهدان و عالمان در مورد مسأله‌ای که می‌خواهد رأی دهد بحث کند مخصوصاً در مسائلی که مدرکش معلوم نیست» (۳۰).

صاحب مجمع‌الفائده و البرهان نیز می‌فرماید: «مستحب است علما را در مجلس حکم حاضر کنند تا اگر در حکم اشتباهی شد، تذکر دهند و مستحب است برای قاضی اگر حکم مسئله را ندانست سؤال کند و یا اگر دلیل حکمی برای وی مشکل بود با آنان مشورت کند» (۳۱).

مورد یکی دیگر از قضاوت‌های علی (ع) نقل شده است که مردی نزد خلیفه دوم آمد و شکایت کرد که همسرش سر شش ماه وضع حمل نموده در حالیکه وی در جنگ به سر می‌برده است بنابراین اقدام به نفی ولد کرد. خلیفه از حضرت علی (ع) مشاوره گرفت و ایشان فرمود: «در داوری شتاب مکن زیرا زن راست می‌گوید» و حضرت برای اقناع کردن افکار عمومی در مورد صدور این رأی به آیات قرآن استناد کردند که می‌فرماید: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف، ۱۵) «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره، ۲۳۳) فلذا این دو آیه را جمع کردند و فرمودند اقل حمل برای یک زن شش ماه است (۳۷).

با عنایت به واقعه مزبور، باید اذعان داشت که سیره علی (ع) بر این مبنا بود که در برخی محاکمات و دادرسی‌ها با استناد به آیات قرآن حکم مقتضی را صادر می‌نمود چرا که حجیت آیات وحی بر مردم پوشیده نیست و توان اقناع‌کنندگی زیادی دارند.

#### ۵-۶-۲-۴. توجه به ظرفیت مخاطب

یکی از نکات مهمی که در قرآن کریم، احادیث و سیره معصومین (ع) در ارتباط با مخاطب‌شناسی مورد توجه قرار دارد، تفاوت مردم از نظر ظرفیت‌ها و استعدادها طبیعی و اکتسابی و میزان تأثیرپذیری آنان از تبلیغات مفید و سازنده است. با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، هر سخنی برای هرکسی مفید و سازنده نیست. چه بسا نوعی از تبلیغات برای فردی یا جمعی مفید باشد اما برای فرد یا جمع دیگری غیرمفید و حتی زیان‌بار باشد. از این رو انبیای الهی موظف بوده‌اند که در تبلیغات خود، ظرفیت فکری و روحی مردم را در نظر داشته باشند (۳۹).

توجه به ظرفیت وجودی مخاطب در سیره معصومین (ع) به وضوح قابل مشاهده است چنانکه رسول اکرم (ص) و علی (ع) در تعبیری مشابه می‌فرمایند که باید با مردم به اندازه عقلشان سخن گفت (۱۱، ۴۰). همچنین برای اقناع‌کنندگی هر چه بهتر مخاطب، پیام ما باید متناسب با شخصیت، فرهنگ، شغل، عواطف و حالات روحی، جنسیت، سن و... مخاطب باشد. مثلاً پیامبر (ص) هنگامی که برای سران ممالک دیگر نامه‌ای

در باب قضاوت‌های حضرت علی (ع) نقل شده است که در عهد حکومت علی (ع) دو زن در یک وقت وضع حمل کردند و یکی صاحب پسر و دیگری صاحب دختر شده بود. روزی زنی که دختر زاییده بود، پسر دیگری را از گهواره بیرون آورد و دختر را به جای آن گذاشت و مدعی شده بود که پسر از آن اوست. به همین دلیل برای رفع مرافعه به علی (ع) مراجعه کردند. حضرت برای حل این دعوی، دستور داد شیر هر دو زن را بسنجند و هرکدام سنگین‌تر بود پسر متعلق به صاحب آن شیر است» (۳۵-۳۷).

نکته جالب در این واقعه تاریخی این است که هم اکنون دانشمندان و محققین به این نتیجه رسیده‌اند که شیر نوزاد پسر از شیر نوزاد دختر سنگین‌تر است و در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام شده است این امر از نظر علمی اثبات گردیده که سطح لپتین شیر مادر در دو گروه فرزندان دختر و پسر با یکدیگر تفاوت دارد و سطح لپتین شیر مادر با جنسیت فرزند تغییر می‌کند اما مکانیسم این پدیده ناشناخته است (۳۸).

استناد ما به این روایت در بیان سیره علی (ع) بدین جهت است که بگوییم که برای اقناع کردن افکار مردم، دادگاه می‌تواند در راستای تشخیص ارزش و اعتبار دلیل، هرگونه تحقیق و تفحص علمی را انجام دهد و از روش‌ها و ابزارهایی که در کشف حق از باطل مؤثر است، بهره‌گیرد.

#### ۵-۶-۲-۳. بهره‌گیری از آیات قرآن برای اثبات ادعا

قرآن کریم، احسن‌الحديث است و استناد به بهترین سخن‌ها می‌تواند کمک شایانی به استدلال‌ها ما کند و این برگرفته از خصوصیات قرآن کریم است که حضرت علی (ع) در خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه درباره ویژگی‌های قرآن می‌فرماید: «قرآن فرمان‌دهنده‌ای است بازدارنده، ساکتی است گویا و حجت خداوند است بر آفریدگانش، که بر آن [یعنی قرآن] از ایشان پیمان گرفته، و همه را در گرو آن قرار داده، نور آن را تمام گردانید، و دینش را با آن کامل ساخت».

معصومین (ع) به ویژه امیرالمومنین (ع) در قضاوت‌های خود بسیار از آیات قرآن بهره برده و به آن‌ها استناد می‌کردند. در

پرواضح است که اقناع اندیشه و افکار انسان نیز باید در چهارچوب ساختار علمی انسانی باشد. متفکر شهید، استاد مطهری در این مورد تعبیر جالبی بیان می‌دارد که «تفکر از هر جهت آزاد است بنابراین از آن نمی‌توان جلوگیری کرد و اسلام کسی را از تفکر منع نکرده است» (۴۱).

انسان همانطور که آزاد آفریده شده، اشرف مخلوقات نیز می‌باشد و آفرینش او احسن تقویم است، لذا باید اندیشه او نیز با احسن شیوه‌ها شکل گیرد. بنابراین اقناع افکار و اندیشه‌های انسان باید به نحوی باشد که هم نیکو و احسن باشد و هم سالب آزادی وی نباشد.

اعتقاد به آزادی انسان در مکاتب دیگر به جز اسلام نیز وجود دارد اما در بسیاری از مبانی و اهداف با دین مبین اسلام تفاوت دارند و آنچه که از آزادی انسان مدنظر این پژوهش است مبانی اسلامی در بحث آزادی انسان است که با سایر مکاتب تفاوت‌هایی را دارد.

مکتب اسلام بر خلاف مکاتب آزادمنش همچون لیبرالیسم، استفاده از قدرت تعقل انسان را تا جایی مجاز می‌داند که به احکام قطعی و مسلم الهی آسیب نرساند اما لیبرالیسم عقل را جایگزین دین می‌دانند هرچند که کلیه فرامین الهی را انکار نمی‌کنند اما معتقدند که سکان اداره کشتی زندگی بایستی به دست بشر سپرده شود تا به کمک عقل، تدبیر و اندیشه خود بتواند به سرمنزل مقصود گام بردارد (۴۲).

آنچه مشهود است اینکه در افکار و آرای فلاسفه و اندیشمندان تعریف واحدی از آزادی وجود ندارد و بر این اساس می‌توان گفت که آزادی مفهومی پرمناقشه است که تفسیر و تعریف‌های مختلفی از آن صورت گرفته است اما اندیشمندان در خصوص قلمرو آزادی اتفاق نظر داشته و معتقدند آزادی قلمرویی نامحدود ندارد و همواره باید محدودیت‌های معقولی را بر گستره آزادی وارد نمود تا به آثارشیم و هرج و مرج منتهی نشود. بر این اساس، آزادی عبارت است از انجام آزادانه اعمال و رفتاری که توسط قانون تجویز شده است و این که بین آزادی و قانون منافاتی وجود ندارد و هر دو قابل جمع می‌باشند.

می‌نوشتند، متناسب با جایگاه و شخصیت آنها از الفاظ محترمانه استفاده می‌کردند و یا در مواقعی که سروکارشان با کودکان می‌افتاد، زبان کودکی می‌گشودند و یا چنانچه در صدد تبلیغ یا موعظه مردم برمی‌آمدند، به عواطف و حالات روحی آن‌ها توجه داشتند.

### ۵-۶-۲-۵. اقناع‌کنندگی غیرمستقیم

تردیدی نیست که فرایند اقناع باید به صورتی انجام شود که بیشترین تأثیر را در مخاطب ایجاد کند اما باید اذعان داشت که همیشه این تأثیرگذاری به صورت مستقیم نبوده و گاهی لازم است که به صورت غیرمستقیم طرف مقابل را اقناع کنیم تا به شأن و شخصیت و جایگاه وی لطمه‌ای نخورد. چنین شیوه‌ای در سیره معصومین (ع) نیز وجود داشته است.

در جمع‌بندی این مبحث باید اذعان داشت سیره معصومین (ع) همواره بر این سیاق بوده است که علی‌رغم دارا بودن کرامات و توانایی در انجام امور خارق‌العاده برای انتقال پیام خود، اما مخاطبان خود را با دلایل منطقی و عقلایی اقناع کنند و در این رهگذر از آیات قرآن، قواعد عقلی، شواهد تاریخی و روش‌های مؤثر استفاده کرده‌اند.

### ۵-۶-۳. توجه به آزادی اندیشه انسانی

یکی دیگر از ملاکات اقناع کردن اندیشه مخاطب، توجه به آزادی اندیشه اوست که باید مورد عنایت قرار گیرد؛ چرا که انسان حیاتی الهی داشته و فطرتاً به سوی خداوند گرایش دارد اما موجودی آزاد آفریده شده است و سلب آزادی را چه از نظر جسمی و چه از نظر فکری و روانی بر نمی‌تابد. به همین دلیل

<sup>۱</sup> نقل است روزی امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) در حالی که طفل بودند به پیرمردی برخورد کردند که در حال وضو گرفتن بود اما طرز صحیح آن را نمی‌دانست. از آنجایی که بر طبق مسلمانات دین اسلام، تعلیم مسائل و ارشاد جاهل واجب است، این دو بزرگوار تصمیم گرفتند که طرز وضوی صحیح را به پیرمرد تعلیم دهند اما اگر مستقیماً به او متذکر می‌شدند موجب رنجش خاطر او می‌شدند و ممکن بود که او این تذکر را برای خود تحقیر تلقی کرده و لجاجت کند و زیر بار نرود. لذا ایشان تصمیم گرفتند که به طور غیرمستقیم او را متذکر کنند و با یکدیگر به مباحثه پرداختند؛ یکی گفت وضوی من از وضوی تو کامل‌تر است و دیگری گفت وضوی من کامل‌تر است در حالی که پیرمرد این مباحثه را می‌شنید، توافق کردند که در حضور پیرمرد هر دو نفر وضو بگیرند و پیرمرد حکمیت کند و هر دو نفر وضوی صحیح و کاملی جلوی چشم پیرمرد گرفتند و پیرمرد به فراست مقصود اصلی دو طفل را دریافت و تازه متوجه شد که وضوی صحیح چگونه است.

اقناع آن‌ها بر اساس ساختارهای منطقی انجام پذیرفته است. بنابراین یکی دیگر از ملاکات اقناع‌کنندگی افراد، دلیل‌گرایی است که در این بخش به صورت اجمالی به بیان آن پرداخته و مشروعیت آن را از جنبه فقهی مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.

بستر اصلی دلیل‌گرایی در نظام اسلامی، بحث قانون‌گذاری و اجرای قوانین است؛ به تعبیر دیگر، تقنین و تشریح و اجرای قوانین و احکام خارج از چهارچوب دلایل منطقی و عقلانی پذیرفته نیست. چنانکه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «إنما أفضی بینکم بالبینات» (۳۶). این امر بدان معناست که قضاوت امری مبتنی بر دلیل است. قاضی حق ندارد بدون استناد به دلایل تعیین شده در شرع و قانون حکمی را صادر کند. البته این دلیل‌گرایی تا جایی معتبر و مشروع است که در مسیر فریب دیگران نیفتد به نحوی که فرد با اقامه دلیل ناصواب سعی در اقناع اندیشه مخاطب داشته باشد. در ادامه حدیث شریف نبوی می‌فرماید: «... و بعضکم ألحن بحجته من بعض فأیما رجلٌ به قطع له فی مال أخیه شیئاً فإئتما قطعته له به قطعاً من النار؛ و بعضی از شما در چرب‌زبانی برای اقامه دلیل بر دیگران استادتر هستید. پس هرکس به این روش قسمتی از مال برادرش را به دست آورد همانا قطعه‌ای از آتش جهنم را تصاحب نموده است» (۳۶).

دلیل‌گرایی برای اقناع افکار عمومی سیره همه معصومین (ع) بوده است و علی (ع) نیز در فرمان‌نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «أخذهم بالحجج ... و أصرهم عند اتّضاح الحکم ممن لا یزدهیه إطرأ؛ و حجت را بیش از همه به کار برد او دلیل‌گرا باشد» ..... و چون حکم روشن شد در داوری (صدور رأی) قاطع‌تر باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

#### ۵-۶-۵. تساوی در برابر قانون

بدیهی است که تساوی در برابر قانون از موجبات اقناع افکار مردم در فرایند دادرسی و اجرای حکم است. چه بسا احکامی که به خاطر شخصیت محکوم‌علیه و نفوذ اجتماعی وی اجرا نشده و همه زحمات شاکی و دستگاه قضایی را بر باد داده است و از همه مهم‌تر موجب بی‌اعتمادی مردم به سیستم

همواره انسان‌هایی هستند که سعی دارند از ساختار وجودی خود فراتر روند و طغیانگر می‌شوند و در اقناع دیگران نیز طغیانگری می‌کنند و به هر شیوه‌ای قصد متقاعدسازی دیگران را دارند. ستیزه‌جویی نیز مصداق همان طغیانگری است. همچنین برخی انسان‌ها توجیه‌گری را سرلوحه اعمال و رفتار خود می‌کنند و با توجیه‌گری، حق را کنار زده و خود را محور قرار می‌دهند. انسانی که توجیه‌گر افعال خویش است، ممکن است در خصوص مطالبی نیز اقناع شود اما باز هم سعی در توجیه آن دارد.

هرچند که ممکن است افراد مقدماتی را ایجاد کنند تا تفکر انسان را با اندیشه‌های خود هم‌سو کنند اما از آنجا که اندیشه انسان، ماهیتاً قابلیت جبر و تحمیل را ندارد و ذاتاً آزاد بوده و مسائل را ادراک، تجزیه و تحلیل می‌کند، نمی‌توان آزادی را از اندیشیدن انسانی سلب نمود؛ بنابراین، آزادی اندیشه در اقناع، قاعده‌ای است که از تعامل قدرت و علم حاصل می‌شود؛ لذا در فرایند اقناع اندیشه، باید آزادی اندیشه مخاطب، حفظ شود و مقدمات صحیح به فکر مخاطب القا گردد تا اقناع‌کنندگی بر مبنای آزادی فکری مخاطب انجام شود وگرنه اقناع با فریب همراه خواهد بود هرچند که هدف اقناع‌کننده نیز بر طریق صواب بوده و با اهداف انسانی و دینی عجین باشد. در سیستم قضایی اسلام نیز همواره باید در فرایند دادرسی و صدور حکم، اصل آزادی انسان مدنظر قرار گیرد تا افکار عمومی بتوانند با پذیرش این اصل، آرای صادر شده را بپذیرند و آن را در تعارض با آزادی‌های مشروع انسانی ندانند.

#### ۵-۶-۴. دلیل‌گرایی

واژه دلیل به معنای راهنما، ارشاد و برهان است و دلیل‌گرایان کسانی هستند که برای پذیرش ادعاهای طرف مقابلشان تقاضای دلیل می‌کنند. دلیل‌گرایی به نوعی باعث اطمینان قلبی انسان می‌شود و در بسیاری از موارد می‌تواند تفکر انسان را از خطاها و لغزش‌های احتمالی در امان بدارد. مخاطبان دلیل‌گرا در مقابل ادعاهای مطابق واقع قانع می‌شوند چرا که

<sup>۲</sup> چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ تُطْفَئِهِ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» (نحل، ۴)

همین آیات شریفه، استاد مطهری بیان می‌دارد که «هدف مقدس هم نمی‌تواند توجیه‌گر ابزار نامقدس باشد؛ مثلاً با هدف تبلیغ و گسترش دین، نمی‌توان برای ساخت یک مسجد، از منابع و امکانات حرام استفاده کرد و برای هدایت مردم، به جعل حدیث روی آورد» (۱۷). همچنین علامه طباطبائی (ره) نیز می‌فرماید: «دعوت اسلامی بر مبنای حق صریح است و نمی‌تواند با مقدمات و وسایل باطل به هدف برسد».

بنابراین، از آنجا که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، اهداف مقدس هم نمی‌توانند توجیه‌گر استفاده از ابزار نامشروع باشند. چه بسا برخی از سخنان حاوی مطالبی باشد که بیشتر شبیه فریب اقماعی‌اند تا استدلال منطقی. برخی از این آیات به اشاره و شأن نزول‌های مؤثر به صراحت بیانگر این معنا هستند که گاهی نزدیک بود پیامبر نیز قانع شود و به امری تن در دهد که حاصل یک فریب اقماعی بوده است که پیامبر با راهنمایی وحی، توطئه دشمنان اسلام را خنثی می‌کرد و ثابت و استوار در راه حق می‌ایستاد (۴۵).

نکته دیگری که در این بحث مطرح می‌شود این است که برای اقماع کردن افکار مردم نسبت به آرای قضایی نباید به دروغ مصلحت‌آمیز متوسل شد زیرا این عمل نیز مصداق استفاده از ابزار نامشروع است. بنابراین، سخن مشهور فقها در این باب مبنی بر «رجحان دفع افسد به فاسد» و یا این کلام که «دروغ مصلحت‌آمیز، به از راست فتنه‌انگیز» هرچند در مسئله اقماع افکار عمومی کارایی داشته باشد اما از نظر فقهی مشروعیت و اعتبار ندارد. البته فقها دو مورد را از دروغ حرام استثنا کرده و حتی گاهی آن را واجب نیز دانسته‌اند؛ نخست در جایی که ضرورت اقتضا کند برای دفع ضرر مالی و جانی و دیگر برای اصلاح ذات‌البین. حال باید دید که اقماع‌کنندگی افکار مردم نسبت به آرای قضایی در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد تا بتوان مبنای فقهی برای جواز آن پیدا کرد یا خیر؟

به طور کلی باید گفت که هیچ‌گاه نمی‌توان برای هدف مشروع، از ابزار نامشروع بهره گرفت. بنابراین نمی‌توان به منظور اقماع اندیشه طرف مقابل برای پذیرش یک حکم قضایی به فریب متوسل شد و مقدمات نادرست را عمداً برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب استفاده نمود.

قضایی شده و نتوانسته افکار عمومی را در مورد آن پرونده قضایی اقناع کند.

در فقه و سیره قضایی اسلام تساوی افراد در برابر قانون بسیار تأکید شده است چنانکه رسول اکرم (ص) فرمودند: «ای مردم! امت‌های قبل از شما به هلاکت رسیدند چون هرگاه شخص بزرگی سرقت می‌کرد آن را نادیده می‌گرفتند و رهایش می‌کردند و هرگاه شخص ضعیفی مرتکب سرقت می‌شد حد را بر او اقامه می‌کردند» (۴۳).

از این بیان رسول گرامی اسلام استفاده می‌شود که اولاً عدم رعایت عدالت در اجرای احکام موجب هلاکت امت‌ها و نابودی تمدن‌ها گردیده و این یک سنت الهی است. ثانیاً از نظر قانون الهی همگی در برابر حکم دادگاه برابرند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد و شخصیت اجتماعی افراد نمی‌تواند ملاک اجرا یا تعطیلی احکام قرار گیرد (۴۴).

بنابراین، چنانچه در فرایند رسیدگی به اتهامات و صدور حکم برای اشخاص ذی‌نفوذ و صاحب منصب، تساوی در برابر قانون به عنوان یک اصل رعایت نشود، اقماع افکار عمومی درخصوص پذیرش حکم آن پرونده بسیار دشوار است. چرا که مردم خود را در مقام قیاس با آن فرد قرار داده و نتیجه می‌گیرند که اگر یکی از آن‌ها به جای چنین شخص ذی‌نفوذی مورد محاکمه قرار می‌گرفتند آیا باز هم چنین حکمی برای آن‌ها صادر می‌شد؟

#### ۵-۶-۶. استخدام ابزارهای مشروع

هدف از اقماع‌کنندگی همواره باید متعالی باشد و هدف نامشروع از منظر فقهی پذیرفته نیست و تردیدی در این امر وجود ندارد اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که برای اقماع کردن افکار عمومی در آراء قضایی که هدفی متعالی است، آیا استخدام هرگونه وسیله‌ای مجاز است؟ به طور کلی آیا در فرایند اقماع‌کنندگی، هدف وسیله را توجیه می‌کند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها به آیات و روایات استناد کرده‌ایم.

برخی از آیات قرآن کریم به عدم جواز استخدام ابزارهای نامشروع برای رسیدن به هدف تصریح دارند که بر اساس



**۵-۶-۷. جواز تکرار فرایند اقناع**

یکی از شاخصه‌های مؤثر بر اقناع، تکرار پیام است. محققانی که به مطالعه حافظه خبرپردازی در افراد پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که محرک‌ها و مفاهیم زودگذر، فرصتی برای پردازش در نظام شناختی انسان نمی‌یابند. به همین دلیل، یا اصلاً یاد گرفته نمی‌شوند و یا خیلی زود فراموش می‌شوند. به همین دلیل، متقاعدسازان اغلب پیام خویش را تا بدان حد تکرار می‌کنند که مطمئن شوند همه مخاطبان آن را شنیده‌اند و پردازش کرده‌اند. اما آنان می‌دانند که تکرار بیش از اندازه، هم کسالت‌آور می‌شود و هم مخاطب را به انکار آن وامی‌دارد؛ به عبارت ساده‌تر، تکرار بیش از اندازه پیام موجب اشباع می‌شود و اشباع نیز انزجار و تنفر مخاطب را برمی‌انگیزد (۴۶).

به منظور اینکه اقناع اندیشه مؤثر واقع شود، باید فرایند اقناع‌کنندگی مستمر باشد و تکرار داشته باشد. به عبارت دیگر، اقناع‌کنندگی احکام قضایی برای مردم باید استمرار داشته باشد تا نزد آن‌ها پذیرفته شود. بنابراین چنانچه سیستم قضایی در یک سری پرونده‌ها افکار عامه را اقناع کند اما در پرونده‌های مشابه یا سایر احکام چنین کاری را انجام ندهد، فرایند اقناع‌کنندگی دچار مشکل می‌گردد.

**۶. نتیجه‌گیری**

چنانکه بیان شد اقناع‌کنندگی افکار و اندیشه عامه مردم در نظام قضایی اسلام از جایگاه والایی برخوردار بوده است؛ به ویژه در بیان احکام عملی اسلام، همواره اصل بر این بوده که مکلفین، احکام را از طریق قوه تعقل خود درک کرده و در حالت اقناعی به آن عمل کنند. به طور کلی، قوانین اسلام چه در مرحله وضع و چه در مرحله اجرا بر پایه حفظ مصالح و دفع مفسد پایهریزی شده است و در این رهگذر باید افکار عمومی از بابت هر دو مرحله قانع شود، در غیر این صورت، اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی اسلامی کاهش پیدا می‌کند.

مطالبه افکار عمومی در خصوص اقناع‌کننده بودن احکام قضایی و رویه دادرسی امری مستحدث نبوده و مختص زمانه ما نیست بلکه از دیرباز مورد توجه مردم بوده است و جامعه

معمولاً در مقابل پذیرش آرای ناعادلانه مقاومت می‌کردند. به همین دلیل سیره معصومین (ع) نیز در روند اجرای احکام الهی چه در مقام حاکم و چه در مقام مشاوره به حکام و قضات، همواره بر اساس اقناع نمودن افکار عمومی بوده است و این امر مهم‌ترین و محکم‌ترین دلیل ما در بحث اعتبارسنجی مبانی فقهی اقناع افکار عمومی در نظام قضایی اسلام می‌باشد. بنابراین ائمه معصومین (ع) همواره سعی کردند مخاطبان خود را با دلایل منطقی و عقلایی اقناع کنند و در این رهگذر از آیات قرآن، قواعد عقلی، شواهد تاریخی و سایر روش‌های مؤثر استفاده کرده‌اند. افزون بر تمسک به سیره معصومین (ع) به آیات متعددی از قرآن کریم نیز می‌توان استناد نمود که هدفشان را بر اقناع‌کنندگی مخاطب متمرکز نموده‌اند. همچنین از تعالیم قرآنی می‌توان روش‌های صحیح اقناع‌کنندگی اندیشه را استنباط نمود که اهم این شیوه‌های معتبر عبارتند از: جدال احسن، مفاقهه، مناظره، مقایسه، مباحثه (به شرطی که به بهتان زدن منجر نشود)، تبلیغ و ترغیب.

فارغ از این بحث باید این ضرورت را یادآوری نمود که قانون‌گذاران و مجریان قانون باید همواره طوری عمل کنند که قوانین و احکامشان افکار عمومی را اقناع کند، هر چند که جلب رضایت همه مردم به دلیل اختلاف علایق و سلیق آن‌ها عملاً امکان‌پذیر نیست اما می‌شود تا حدودی اندیشه اکثریت جامعه را در صورت عدم لجاجت و تعصب اقناع نمود. نکته دیگر اینکه متولیان امر قضا، می‌توانند با استفاده از روش‌های مذکور در این بحث، افکار عمومی را درخصوص آرای صادره قضایی اقناع کنند.

**۷. تقدیر و تشکر**

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

**۸. سهم نویسندگان**

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

## ۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

**References:**

1. Eftekhari A, Kazemi M. The model of Persuading Public Opinion in the Holy Quran; A case study of confrontation with hypocrites. *Strategic Policy Research*. 2017;6(22):9-39. (Persian).
2. Kamali Y, Ghafouri M. Public Opinion and Public Policy. *Quarterly Journal of Politics*. 2010;40(2):16-51. (Persian).
3. Ragheb Isfahani H. *Vocabulary in the Quran*. Beirut: Dar al-Elm; 2005. (Arabic).
4. Ibn Manzour M. *Lesan al-Arab*. Beirut: Dar Sader Publishers; 2001. (Arabic).
5. Kia AA, Sa'idi R. *Basics of Communication Propaganda And Persuasion*. Tehran: Iran Newspaper Publication; 2011. (Persian).
6. Everett Mitchell R. *A history of communication study*. Translated by: Azari Gr. Tehran: Danjeh publication; 2008. (Persian).
7. Lazarus J. *Public Opinion*. Translated by: Katbi M. Tehran: Ney Publication; 2013. (Persian).
8. Tabarsi A. *Protest against the people of protest*. Mashhad: Mortazavi Publication; 2010. (Persian).
9. Qurashi A. *Quran Dictionary*. Tehran: Dar al Kitab al Islamiya; 2001. (Persian).
10. Mozaffar MR. *Logic*. Qom: Daarolelm Publication; 2013. (Persian).
11. Koleyni M. *Usul al-Kafi*. Tehran: Islamic Publication; 2010. (Arabic).
12. Meshkat Al-Dini A. *New logic consists of Oriental lights in logical arts*. Tehran: Agah Publication; 2016. (Arabic).
13. Gerami MA. *Contemporary Logic*. Translated by: Basiri A. Qom: Omid Publication; 2010. (Persian).
14. Meshkat M. *Etiquette of discussion*. Tehran: Pars Yearbook; 2016. (Arabic).
15. Halimi Jelodar H. *Satisfying targeting in Education by Emphasis on Ibrahim Story in Quran*. *Journal of Quranic Knowledge* 2014;5(19):45-7. (Persian).
16. Heydari A. *Jurisprudential and Legal Study of the Notion of Mubahita*. *Islamic Law* 2016;12(47):113. (Persian).
17. Motahari M. *Surfing the character of the Prophet*. Tehran: Sadra Publication; 2011. (Persian).
18. Fyumi A. *Al Misbah Al Munir in Gharib Al Sharh Al Kabeer for Rafi'i*. Dar Al Razi Publication. 2003;1:198. (Arabic).
19. Sepanji AA. *The Status of Persuasion and Attitude Change in The Infallible Imams' Communicative Behavior with an Emphasis on Imam Reza's Debates*. *Journal of Religion & Communication*. 2012;18(2):117-44. (Persian).
20. Gill D, Adams B. *Alphabet Communication Studies*. Translated by: Karimian R. Tehran: Media Studies and Research Center; 2015. (Persian).
21. Ibn Asir A. *Perfect in history*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah; 1995. (Arabic).
22. Hajizadeh H. *Redefining the persuasion of the audience from the perspective of the Holy Quran*. Qom: University of Qom; 2012. (Persian).
23. Sajjadi S. *Adam's story and anthropological analysis*. *Quranic Researchers*. 1999;11(2):3. (Persian).
24. Gholizadeh A. *Terminology of Terms of Principles of Jurisprudence*. Tehran: Nooralasfia Publication; 2006. (Persian).
25. A group of researchers. *Principled Culture of Jurisprudence*. Tehran: Islamic Sciences and Culture Academy; 2018. (Arabic).
26. Hashemi Shahroudi M. *Culture of jurisprudence according to the religion of Ahl al Bayt*. Tehran: Institute Encyclopedia of Islamic Jurisprudence On the religion of Ahl al Bayt; 2011. (Persian).
27. Najafi M. *Jawahar Al Kalam*. Tehran: Amirkabir Publication; 2009. (Arabic).
28. Muzaffar M. *Principles of Jurisprudence*. Qom: Darlefeqr Publication; 2007. (Arabic).
29. Ibn Barraj A. *Al-Mohazeb*. Qom: Qom seminary scholar's community Islamic Publication Institution; 1986. (Arabic).
30. Shahid Sani Z. *Theories of understanding*. Qom: Islamic Encyclopedia; 1996. (Arabic).
31. Mohaqeq Ardabili A. *A collection of benefits and proofs*. Qom: Islamic Publishing Company; 1985. (Arabic).
32. Mamqani A. *Manahejol motaghin*. Qom: Al-Bayt Foundation for Reviving Heritage; 2010. (Arabic).
33. Sheikh Baha'i B. *Comprehensive Abbasi*. Tehran: Farahani Publication; 1998. (Arabic).
34. Ibn Hanbal A. *Mosnad*. Beirut: Dar Sader Publishers; 2003. (Arabic).

35. Saduq M. I am not a jurist. Qom: Islamic Publishing Company; 2016. (Arabic).
36. Hurr Amili M. Vasa'el al-Shieh. Beirut: Dar Al-Ahya AlTarath Al-Arabi Publication; 1992. (Arabic).
37. Shoushtari M. Judgments of Imam Ali. Translated by: Bahrami B. Tehran: Negahe Bayeneh Publication; 2014. (Persian).
38. Javanmardi E, Saboory E. Leptin levels in breast milk of mother bearing girls and boys. Koomesh. 2012;13(2):183-8. (Persian).
39. Mohammadi Rey Shahri M. Propagation in Quran and Hadis. Qom: Darolhadis Publication; 2015. (Arabic).
40. Amodi A. Ghorar al-Hakam. Qom: Dar Al-fekr Publication; 1993. (Arabic).
41. Motahari M. Generalities of Islamic Sciences. Tehran: Sadra Publication; 2014. (Persian).
42. Mahmoudi SA. Justice and Freedom. Tehran: Cultural Institute of Contemporary Thought; 2010. (Persian).
43. Hajjaj Neyshabouri M. Sahih Muslim. Beirut: Dar Al-Elam Publication; 2010. (Arabic).
44. Musavi M. Judgment in Islam. Tehran: compilation of the Deputy Minister of Education of the Judiciary; 2008. (Persian).
45. Shaker M, Hajipour H. Criteria and Terms Persuasion of thought of the audience from the perspective of the Quran. Journal of Tehran Law School. 2016;5(6):76. (Persian).
46. Eliassy M. Theoretical and practical foundations of persuasion. Strategic studies of mobilization. 2009;21(45):49. (Persian).



ORIGINAL ARTICLE

## The status and credibility of persuading public opinion in the Islamic criminal justice system

Akbar Mokhtari<sup>1</sup>, Ali Bahraminezhad<sup>2\*</sup>, Seyed Reza Ehsanpour<sup>3</sup>

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of Law, Shahed University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Received:** 13 March 2021

**Accepted:** 9 June 2021

**Published online:** 7 August 2021

### Keywords:

Persuasive

Public Opinion

Islamic Judiciary

Fair Trial

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Islam is a religion that, in addition to its revelatory aspect, has based its rules and regulations on rationalism and has always emphasized and respected the power of human reason. Our aim in the present study is to validate the principle of persuasion of public opinion in the Islamic judicial system from the perspective of jurisprudential principles.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Results:** In general, Islamic law, both at the stage of enactment and at the stage of implementation, is based on the protection of interests and the repulsion of corruption, and in this way, public opinion must be satisfied with both stages; Otherwise, public confidence in the Islamic judiciary will decline.

**Ethical considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** Demanding public opinion regarding the persuasiveness of judicial rulings and the procedure is not new and is not specific to our time, but has long been the focus of public attention, and society has usually resisted the acceptance of unjust votes. For this reason, the conduct of the Infallibles (AS) in the process of implementing the divine commands, both as a ruler and as an advisor to the rulers and judges, has always been based on convincing public opinion.

### \* Corresponding Author:

Ali Bahraminezhad

**Address:** Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Postal Code:** 11489-63537

**Telephone:** 21-77528726

**Email:** [Ali.b.nejad@gmail.com](mailto:Ali.b.nejad@gmail.com)

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mokhtari A, Bahraminezhad A, Ehsanpour SR. The status and credibility of persuading public opinion in the Islamic criminal justice system. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.